

تقدیم به ساحت مقدس و مطهر حضرت زین العباد (علیه السلام) که
حریت و آزادی را تا روز حشر حیاتی نو بخشید.
به امید گوشه‌نگاهی از جانب قلب عالم هستی و دردانه خلقت
حضرت معشوق و جان جانان، مهدی صاحب زمان (عج)

حسین ماری

مستند روایی از

آزاده جانباز حسین صادقی



به قلم محمدهادی زرگری



اشارات روایت فتح

هرگونه بهره برداری مکتبی، صوتی، تصویری و نرم افزاری
(شبکه های اجتماعی، پادکست و...) از کل اثر مجاز نیست
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه بلامانع است)

حسین گاردی

مستند روایی از آزاده جانپاز حسین صادقی

به قلم محمدهادی زرگری

وبت چاپ: اول، ۱۴۰۳، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

یراستار: فاطمه سادات حیانی طهرانی

طرح جلد: و صد خا: فاطمه قلی نژاد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر برای بیت فتح محفوظ است.

سرشناسه: صادقی، حسین، ۱۳۳۴-

عنوان و نام پدیدآور: حسین گاردی: مستند روایی از آزاده جانپاز حسین صادقی/به قلم

محمدهادی زرگری؛ ویراستار فاطمه سادات حیانی طهرانی

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی روایت فتح، انتشارات بیت فتح، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ص: مصور، نمونه.

ISBN: 978-60-330-689-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: مستند روایی از آزاده جانپاز حسین صادقی.

۱. صادقی، حسین، ۱۳۳۴-

۲. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- آزادگان -- خاطرات

۳. Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Released captives -- Diaries

شناسه افزوده: زرگری، محمدهادی، ۱۳۷۵-

رده بندی کنگره: DSR1۶۲۹

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳.۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۲۱۶۰۷

دفتر: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، شماره ۱۶

❖ فهرست

- ❖ پیشگفتار ۷
- ❖ فصل اول: عشق و نبوغ... ۹
- ❖ فصل دوم: از هول حیرم...! ۲۳
- ❖ فصل سوم: پای چوبه اعدام ۳۵
- ❖ فصل چهارم: شاه بی نمک ۴۷
- ❖ فصل پنجم: مرغ از قفس پرید ۹۳
- ❖ فصل ششم: اینجا یه نفر دعا داره ۱۴۵
- ❖ فصل هفتم: الکی نیست! الکی نیست! ۲۰۵
- ❖ فصل هشتم: تو حجتیه ای هستی ۲۴۱
- ❖ فصل نهم: صدام خرسوار ۲۶۷
- ❖ فصل دهم: جای خالی پدر بزرگ ۳۱۵
- ❖ فصل یازدهم: وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ... ۳۴۷
- ❖ تصاویر ۳۵۵

می‌گویید از هول حلیما شاه، است داخل دیگ! می‌گویید می‌خواسته مفت و مجانی کار نکرده باشد، اما گیر افتاده و هر چه زور زده نتوانسته خارج شود.

چین و چروک‌های روی صورتش، گذران عمر و سختی‌هایش را به خوبی روایت می‌کند، اما شانه پهن و قامت استوارش حکایت از صلابت و قوت دوران جوانی دارد. وقتی برای اولین بار داستان زندگی‌اش را از زبان یکی از دوستان شنیدم، به صرافت افتادم تا سر به زودتر برای مصاحبه و ضبط خاطرات به سراغش بروم. شنیدن داستان زندگی مردی که عضو گارد شاهنشاهی بوده، در جنگ ظفار از طرف ارتش پهلوی حضور داشته، بعد از انقلاب وارد کمیته شده و پس از تأسیس سپاه، لباس سبز آن را به تن پوشانده و تنها چند روز پس از شروع رسمی جنگ ایران و عراق اسیر شده است، حتماً آن قدر جذاب بود که تأخیر در هم صحبتی با او را جایز ندانم. اینکه زمان وقوع فاجعه

منابه عنوان یکی از خادمان حجاج ایرانی در منطقه حضور داشته و قضایا را کم و بیش از نزدیک دیده نیز آن حس را درونم مضاعف می کرد.

تمامی گزاره های بالا حاج حسین صادقی یا همان «حسین گاردی» هم دوره ای هایش در سپاه را معرفی می کند. مردی بسیار خوش مشرب و خودگرم که در همان اولین دیدار، حس آشنایی چندین ساله را به مخاطب منتقل می کند. در جلسات مصاحبه بارها شد که از شنیدن خاطره ای صدایم به خنده بلند شد و از شرم حضور خانواده اش به سختی خود را جمع و جور کردم؛ خاطراتی که کمتر کسی شبیه آن را نقل کرده است، اما غیب که به دلیل اقتضائات و برخی محدودیت ها باید فقط امانت دار بسیاری از آن ها باشم و امکان بازگویی شان در این مقال نیست. صداقت در بیان، بدون سانسورهای مصلحت اندیشانه و ادبیات خودمانی حاج حسین در نهال خاطراتی که کمتر گفته شده با ذکر جزئیات دقیق که ناشی از حافظه بسیار قوی ایشان است، مجابم کرد که قالب کتاب را به سمت داستان و این خاطرات تا حد امکان با همان ادبیات راوی نگارش شود تا تاثیرینی مجالست با حاج حسین صادقی البته با واسطه به کام خواننده کتاب نیز بنشیند. در پایان از خداوند استمداد می طلبم این قلم فرسایی فقط برای او و در راه او باشد.